

به تقوی قطع کن سوز خطایا      به پرهیز است پاکی از دنیا  
 ۱۵. بالاحسان تملک القلوب، بالسخا تستر العیوب  
 به احسان می توان تسخیر دل کرد      به بخشش ستر هر عیبی کند مرد  
 ۱۶. بالتقوی قرب العصمة، بالعفو تنزل الرحمة  
 به پاکی می شود نزدیک عصمت      به عفو و مغفرت تنزیل رحمت  
 ۱۷. بالعقل صلاح کلّ أمر، بالجهل یتشار کلّ شرّ  
 به دانش هست سازد برگ هر کار      به نادانی شود شر، جمله کار

#### علم علوی، روی دیگر سکه امامت



[ عبدالحسین طالعی ]

این نکته در جای خود بررسی شده که علم علوی، روی دیگر سکه امامت آن حضرت است. حکم عقل، رجوع به افضل و رها کردن مفضول است. بروز علم حضرتش آنچنان است که کسی را یارای انکار آن نیست. نگارنده سطور، مقاله‌ای تحت عنوان «گلچین حکمت علوی از مجمع الأقوال فی الحکم والامثال» نگاشت و در آن، بر اساس کتاب مجمع الأقوال والامثال نوشته احمد سیوری - دانشمند شافعی قرن هفتم - نشان داد که مجموع کلمات منقول از سه خلیفه اول و معاویه و مأمون و... در این کتاب، کمتر از ده جمله است، در حالی که از امیرالمؤمنین (علیه السلام) به تنهایی بیش از ۱۹۰ جمله در این کتاب آمده است. (هدیه بهارستان، یادنامه سید جلال الدین محدث ارموی، ص ۵۹۳ - ۶۱۷).

اینک به شاهدهی دیگر در این راستا دست یافتیم که در این سطور بدان می پردازم. دکتر حسین زُرُوق در کتاب امثال الخلفاء الراشدين وحکّمهم (قاهره: دارالسلام، ۱۴۳۱/۲۰۱۰) یافته‌هایی دیگر در این جهت نشان می‌دهد. دکتر زُرُوق، در سال ۲۰۰۵، از دانشگاه سیّدی محمد بن عبدالله در شهر فاس (مراکش) دکترا گرفته و آثاری دارد، همچون: الخیل واللیل (دار البیضاء، ۱۹۹۶)؛ الاسلامیون (سه جلد، دارالبیضاء، ۲۰۰۰)؛ حریم (دارالمشکاه، ۲۰۰۲)؛ الحوار منهج حیاة (دارالسلام، ۲۰۰۲)؛ مفهوم الاصلاح وقضایاه (وزارت اوقاف قطر، ۲۰۰۸).

این کتاب، ۲۸۶ صفحه به قطع پالتویی دارد. منابع آن، همه از آثار کهن اهل تسنن است - به جز چند مورد انگشت شمار که از نهج البلاغه آورده، و در آن ۱۰۲۵ جمله کوتاه از چهار خلیفه

آورده که جنبهٔ مثل سائر پیدا کرده است. در این میان، ۵۲ جمله از خلیفه اول (ص ۱۵ - ۳۵)، ۱۴۰ جمله از خلیفه دوم (ص ۳۹ - ۸۱)، ۳۰ جمله از خلیفه سوم (ص ۸۵ - ۹۹)، و ۸۰۳ جمله از امیرالمؤمنین (ع) (ص ۱۰۳ - ۲۷۹) آورده است.

وی در مقدمهٔ آن کتاب، ابتدا به کثرت آثار در زمینهٔ امثال و حکم اشاره می‌کند که ابن ندیم در فهرست خود، ۲۷ کتاب به لفظ «امثال» - به شکل معرفه و نکره - معرفی کرده و در کتاب *مکتبه العصر الجاهلی* (ص ۳۱ - ۳۷)، ۶۷ کتاب در این زمینه شناسانده است. آنگاه تذکر می‌دهد که در میان این همه آثار، جملات خلفای راشدین پراکنده شده و بجزا در اختیار نیست. دکتر زروق دو نکته می‌افزاید، که ترجمهٔ عباراتش در پی می‌آید:

نکته اول: ثعالبی در کتاب *التمثیل والمحاضره* (ص ۲۸ - ۳۰) و میدانی در *مجمع الأمثال* (ج ۲ ص ۵۳۱ - ۵۳۶) به جملات منسوب به خلفای راشدین توجه نشان داده‌اند. ولی این تلاش‌ها محدود است، بعلاوه این کتاب‌ها در سیاق امثال است و جملات خلفا که در کتاب‌هایی آمده که مربوط به امثال نیست، بیش از آن است که در کتاب‌های امثال می‌توان یافت، مانند آنچه ثعالبی در کتاب *دیگرش الاعجاز و الایجاز* (ص ۲۵ - ۳۶)، و یوسی در *المحاضرات* (ج ۲ ص ۶۲۲ - ۶۴۳) آورده‌اند.

در دو کتاب اخیر، سهم علی بن ابی طالب بسیار زیاد است، بر عکس سه خلیفهٔ دیگر. ثعالبی، صد کلمهٔ جاحظ را با افزوده‌هایی آورده و یوسی نیز شماری از آنها را به ترتیب حروف الفبا آورده است.<sup>۱</sup>

محققان کتاب *محاضرات* در حاشیه اشاره کرده‌اند که حکمت‌هایی از علی - رضی الله عنه، به اندازهٔ نصف یک کراس باقی مانده که در نسخهٔ اساس تحقیق و چاپ، موجود نبوده و اگر آنها نیز ثبت شود، شمار بیشتری از امثال علی - رضی الله عنه - خواهیم داشت.

در اینجا به نکته‌ای دیگر باید اشاره شود: و آن کتابی است مستقل در باب امثال و حکم تحت عنوان *زهر الاکم فی الأمثال والحکم* نوشتهٔ یوسی. وی در این کتاب، امثالی از علی [صلوات الله علیه] آورده که در کتاب *دیگرش، المحاضرات*، نیآورده است. این کار، حقیقتاً خسارتی برای

۱. در کتاب *المحاضرات* (ج ۲ ص ۶۲۴) آمده است که محققان کتاب، این حکم و امثال را از چاپ دیگر کتاب (چاپ شهر فاس) افزوده‌اند. این نقل با عبارت زیر آغاز می‌شود: «بعضی از دانشمندان حکمت های او - یعنی علی - رضی الله عنه را به ترتیب حروف الفبا گرد آورده اند».

علم امثال است که با خسارت بقیه کراسه مورد اشاره - که در نسخه چاپی المحاضرات نیامده - برابری می کند.

این مثال‌ها برای تأکید بر نکته یاد شده کافی است: عنایت به امثال خلفای راشدین در کتابهای امثال، گسترده نیست. بعلاوه به دلیل راه‌هایی که برای ارائه موارد تدوین شده در پیش گرفته‌اند، پراکنده و غیر مرتب است.

نکته دوم: برای عنایت به آثار خلفای راشدین، توجه بیشتری باید کرد. تلاش‌هایی در این جهت شده، از جمله آنچه به حدیث و فقه و تفسیر ارتباط می یابد.

اما در وادی کتب ادبیات، به توجه بیشتری نیاز داریم. البته شعرهای منسوب به خلیفه اول و دوم و چهارم را گرد آورده‌اند. نیز دکتر جابر قمیحه در کتاب *ادب الخلفاء الراشدين*، خطبه‌ها، وصایا، نامه‌ها، پیمان‌ها، حکمت‌ها، رسائل و مناظرات خلفا را تدوین کرده است. اما در این کار، به دلیل گستردگی، نصوص زیادی را وانهاده است.

مثلاً وی برای ابوبکر - در باب حکمت و نامه - ۲۱ نص، برای عمر، ۷۴ نص، برای عثمان ۱۴ نص و برای علی ۱۱۰ نص آورده که مجموع آنها ۲۱۹ نص می شود و عددی اندک به شمار می آید...

حسین زرّوق، مقدمه خود را به تاریخ چهارشنبه ۱۹ رجب ۱۴۲۹/۲۳ یولیو ۲۰۰۸ در شهر فاس (مراکش) نوشته است.

نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مشهد مقدس موجود است.

## ۶ نقش حکمت‌های نهج البلاغه در تحول زندگی محقق از هند

[محمد رضا فخر روحانی]

در تابستان سال ۲۰۰۶ میلادی (۱۳۸۵ شمسی) که برای تحقیقات علمی درباره تأثیر عاشورا بر ادبیات انگلیسی و یافتن اشعار انگلیسی سروده شده در این باب به دهلی نورفته بودم، حدود ۲۰ روز در کتابخانه ادبیات ملی هند به تحقیق و مطالعه مشغول بودم. آخرین روزی که از آنجا بیرون آمدم، نزد مدیر آن کتابخانه که خانم هندویی بود رفته و از او تشکر کردم. ضمن صحبت‌هایش از من پرسید که آیا می توانم ترجمه‌ای از *نهج البلاغه* برایش تهیه کنم یا خیر؟ از این پرسش او شگفت زده شدم و او با هیجان خاصی برای من توضیح داد که زندگی‌اش را